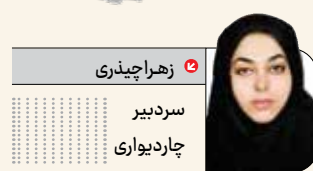


## به فرزندان مان شانس موفقیت بدهیم



یادگیری فرآیندی پویاست. فرآیندی که با آغاز تولد انسان شروع می شود و تا آخرین لحظه حیات هم می تواند ادامه پیدا کند.

نوزاد انسان می آموزد چگونه شیر بنوشد و چگونه با صدای گریه کردن به والدین خود بفهماند که گرسنه یا تشنه است یا خوابش می آید و جایش را خیس کرده و نیاز به تعویض دارد! این فرآیند در ادامه با تمرین آواها و همچنین تلاش برای راه رفتن امتداد می یابد. تا جایی که بچه هادرشش هفت ماهگی کم کم می نشیند و چهار دست و پا راه می راند و در حدود یک سالگی به بعد رفته رفته یاد می گیرند روی دو پایشان راه بروند. همچنان که یاد می گیرند چگونه صحبت کنند و واژه ها را ادا نمایند. بنابراین یادگیری فرآیندی است که در طول عمر انسان هرگز متوقف نمی شود. ما انسان ها به صورت غریزی بسیاری از امور را می آموزیم و انجام می دهیم. با تمام اینها، این استعداد بالقوه در انسان قابلیت دارد با راهکارهایی بهتر و بیشتر به فعلیت برسد. به همین دلیل نمی توان نقش محیط و آموزش را در شکوفایی استعدادها و خلاقیت افراد نادیده گرفت.

در واقع در کنار آنچه که ما به صورت فطری می آموزیم و انجام می دهیم، بسیاری از امور را نیز به صورت اکتسابی فرا می گیریم و استعدادهای ما شکوفا می شود.

بنابراین اینجا محیط زندگی، رفتار پدر و مادر، مربیان و اطرافیان می تواند تاثیر قابل ملاحظه ای در تسهیل فرآیند یادگیری کودکان داشته باشد. بچه هایی که این شانس را دارند تا در خانواده هایی متولد شوند که پدر و مادر و اطرافیان توجه بیشتری به شناسایی و شکوفایی استعدادهای آنها دارند، شانس بیشتری برای قرار گرفتن در مسیر موفقیت خواهند داشت. بر این اساس ما به عنوان پدر و مادر وظیفه داریم با بازبینی و دقت نظر بیشتر به رفتارهای فرزندانمان دقت کنیم تا بتوانیم استعدادهای آنها را شناسایی کرده و در مسیر شکوفا کردن آن قدم برداریم. بی تردید استعدادهای بالقوه کودکان ما نشانه هایی دارد که اگر در شناسایی این نشانه ها دقت لازم را به خرج دهیم، می توانیم آنها را در مسیر پرورش این استعدادها و خلاقیت ها قرار دهیم. قطع به یقین افرادی که در مسیر علایق و استعدادهایشان حرکت می کنند، شانس بیشتری برای موفقیت در زندگی کار و تحصیل خواهند داشت و صدالبته رضایت بالاتری از زندگی احساس خواهند کرد.



## دمیدن روح عزت وکرامت

علی علیه السلام به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می فرماید: پسر جانم! روح خود را گرامی بدار، بزرگوار بدار، برتر بدار از هر کار پستی. در مقابل هر پستی فکر کن که روح من بالاتر از این است که به این پستی آلوده بشود. درست مثل آدمی که یک تابلوی نقاشی خیلی عالی دارد که وقتی لکه سیاهی در آن پیدا می شود، گردی، غباری روی آن می بیند، خودبه خود فوراً دستمال را برمی دارد و آن را تمیز می کند. اگر به او بگویی چرا این کار را می کنی، می گوید حیف چنین تابلوی نقاشی نیست که چنین لکه سیاهی در آن باشد؟! حس می کند که این تابلوی نقاشی آنقدر زیبا و عالی است که حیف است یک لکه سیاه در آن باشد. علی علیه السلام می گوید در روح خود این گونه احساس زیبایی کن، احساس عظمت کن، احساس شخصیت کن که قطع نظر از هر طمع، قطع نظر از هر خیالی، قطع نظر از هر حاجت مادی، اصلاً خودت را بزرگتر از این بدانی که تن به پستی بدهی. دروغ پیش می آید؟ دروغ پستی است، دثانت است. تو کریمی، تو بزرگوری، تو عالی هستی، تو زیبا هستی. خودت را برتر از این بدان که با دروغ خود را پست و کوچک کنی. از مردم چیزی مخواه. خواستن از مردم دثانت است؛ تو بزرگی، بزرگوری، زیبایی. تو انسانی؛ مقام انسانیت بالاتر از این است که انسان حاجت خودش را از دیگری به صورت التماس بخواهد. فرمود:

به کم بساز و دست پیش دیگری دراز مکن.

جمله ای در نهج البلاغه هست که حماسه است و یک مسلمان با شنیدن آن باید در روح خودش احساس حماسه کند. در اولین رویارویی علی علیه السلام در صفین با لشکر معاویه، امیرالمؤمنین در نظرش این بود که ابتدا جنگ نکند، نامه ها مبادله بشود، سفیرها مبادله بشوند بلکه این اختلاف حل بشود و مسلمین به روی یکدیگر شمشیر نکشند. معاویه و اصحابش وقتی که آمدند، به خیال خودشان پیش دستی کردند، محل برداشتن آب از کنار فرات را اشغال نمودند تا لشکر امیرالمؤمنین که می رسد دسترسی به آب نداشته باشد و در مضیقه بی آبی قرار بگیرد و از این راه شکست بخورد. امیرالمؤمنین وقتی وارد شد دید اینها دست به چنین کاری زده اند. نامه ای نوشت، کسی را فرستاد که این کار را نکنید؛ ما که هنوز با یکدیگر جنگ نداریم، ما آمده ایم با هم صحبت کنیم، سفیر بفرستیم، ملاقات کنیم بلکه خداوند میان مسلمین اصلاح کند و جنگ صورت نگیرد. معاویه به هیچ شکل حاضر نشد، گفت ما این فرصتی را که داریم هرگز از دست نمی دهیم.

چند بار حضرت این کار را کردند.

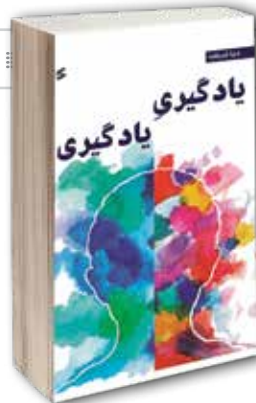
هرچه گفتند که - به اصطلاح ما - از خر شیطان پایین بیا، ما که نمی توانیم بابی آبی صبر کنیم، اگر یک یادور روز طول بکشد و آلمان تمام بشود مجبور خواهیم شد شمشیر بکشیم ولی من می خواهم فرصتی باشد تا مذاکره کنیم، گفت نمی شود که نمی شود. علی علیه السلام دید که چاره ای جز جنگ نیست. آمد برای اصحاب خودش خطابه مختصری خواند. ببینید این علی زاهد، این علی عابد، این علی متقی و پرهیزکار، این علی اهل آخرت، در روحش چقدر حماسه و عظمت وجود دارد و چقدر شرافت انسانیت را حفظ می کند! (برخلاف زاهد مآبان ما). فرمود: لشکر یانم، سپاهیانم! اینها جنگ را مانند یک خوراک از شما می خواهند، شمشیرها را مثل یک خوراک از شما می خواهند، جنگ طلب شده اند. بعد فرمود: حالا که اینها چنین کردند، می دانید چه باید کرد؟ لشکریان من! تشنه مانده اید؟ یک راه بیشتر وجود ندارد: این شمشیرهای خودتان را از خون این پلیدها سیراب کنید تا خودتان سیراب شوید. / برگرفته از کتاب

آزادی معنوی / استاد شهید مرتضی مطهری

## آشنایی با مفهوم یادگیری و روش هایی کاربردی برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان

# یادگیری یادگیری

از ابتدای ورود به مدرسه و درگیر شدن با فرآیند یادگیری برای دانش آموزان و فراگیران در تمامی دوره های تحصیلی سؤال هایی نظیر چگونه باید درس خواند؟ چگونه باید مطالعه کرد؟ چگونه باید مطالب درسی را حفظ کرد؟ چگونه باید دروس حفظی را بخوانیم؟ شیوه های تقویت حافظه کدامند؟ و سؤال های دیگر در خصوص چگونه مطالعه کردن و یادگرفتن وجود دارد.



درباره کتاب

دیبا شریعت در کتاب «یادگیری یادگیری» نخست شما را با مفهوم یادگیری آشنا و سپس به بررسی انواع آن در نظام آموزشی مدارس می پردازد. در انتها نیز روش هایی کاربردی برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان ارائه می کند.

از خصوصیات برجسته آموزش و پرورش قرن ۲۱ داشتن خلاقیت، اختیار، مسئولیت پذیری، پیگیری مستمر، برقراری ارتباط تاثیرگذار با دیگران، گفتن ایده ها و تفکر خود، تصمیم گیری درست، تربیت یادگیرندگانی مادام العمر و... است. پس در فضای آموزشی کنونی، مسئولیت پذیری و انتخاب مورد توجه است. حال این پرسش برای

محققان علوم تربیتی به وجود می آید که آیا با روند فعلی، یادگیری ادامه می یابد؟ و آیا این

شیوه می تواند دانش آموزان را برای فردایی بهتر آماده کند؟ بدون شک تغییر در ساختار آموزشی ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

اگر موضوعات بدون ارتباط با یکدیگر و به صورت اجزایی نامفهوم در جهت موفقیت در امتحانات به دانش آموزان، آموخته شود، یادگیری میحی مکانیکی، بی هدف و حتی عذاب آور خواهد بود و فکر کردن، استدلال درست و فرهیخته شدن به دست فراموشی سپرده می شود.

تکنیک هایی که یادگیرندگان به کار می گیرند، می تواند بسیار متنوع باشد. این تنوع به تفاوت در استدلال و منطق دانش آموزان و تفاوت های جنسیتی آنها مربوط است. پس در این راه معلمان باید تسهیل کنندگان یادگیری باشند. اگر خواهان آن هستیم نسل آینده درست تربیت شود، پس باید دانش آموزان معلومات علمی، آزادی اندیشه و مسئولیت پذیری داشته باشند.

در بخشی از کتاب یادگیری یادگیری می خوانیم:

حتی دانش آموزان بسیار موفق هم در انجام تکالیف دشوار، خستگی، ناامیدی و اضطراب را تجربه می کنند. والدین می توانند با استفاده از شیوه های گوناگون، اثر این احساسات منفی اجتناب ناپذیر را در فرزندان شان به حداقل برسانند. نخست می توانند برای فرزندان شان توضیح دهند که این احساسات منفی، مورد انتظار و متداول هستند و نباید مانع انجام تکالیف بشوند. آنها نیز می توانند در طراحی یک برنامه نظام مند به فرزندان خود کمک کنند. بسیاری از دانش آموزان ترجیح می دهند در ابتدا تکالیف دشوار خود را انجام دهند و تقریباً همه آنها می دانند که بهتر است تکالیف شان را به قسمت های کوچک تر تقسیم کنند.

وقتی که دانش آموزان موفق خسته و ناامید می شوند، والدین راهکارهایی را برای مقابله با ناامیدی به آنها می آموزند، به آنها اطمینان خاطر می دهند، از آنها می خواهند تا برای مدتی به انجام یک تکلیف آسان تر بپردازند یا برای مدتی استراحت کنند. بسیاری از دانش آموزان ترجیح می دهند بعد از ۳۰ دقیقه مطالعه، ۱۵ دقیقه به استراحت و انجام فعالیت های مورد علاقه شان بپردازند، برای خود اهدافی کوچک تنظیم کنند و بعد از دستیابی به یک هدف، مدتی را استراحت کنند یا اطمینان داشته باشند که بعد از اتمام تکالیف شان می توانند به انجام فعالیت مورد علاقه خود بپردازند. نهایتاً والدین، فرزندان خود را تشویق می کنند تا برای انجام تکالیف دشوار از دیگران کمک بگیرند.

## امشب به خداوند چه بگوییم؟

حاج اقا مجتبی تهرانی این گونه نقل می کرد: امشب به خدا چه بگوییم؟ امام زین العابدین (ع) به ما یاد داده است. دست هایمان را بلند کنیم و بگوییم: خدا یا! آقای من! دست هایم را به سوی تو دراز کردم؛ اما پراز گناه است، چشم هایم هم به سوی تو دوخته ام؛ اما آن هم پراز جرم و امید من به توست. در باب دعا و به خصوص در ایام قدر، انسان هیچ وقت نباید به خودش تردیدی راه بدهد: خدا این طور نیست که ما را مأیوس و رد کند. این، جزء آیات و معارف حتمی ماست. این را بدانید! یأس از رحمت حق از گناهان کبیره است، فقهای مان هم همه فتوا می دهند که هیچ یأسی به خودتان راه ندهید.